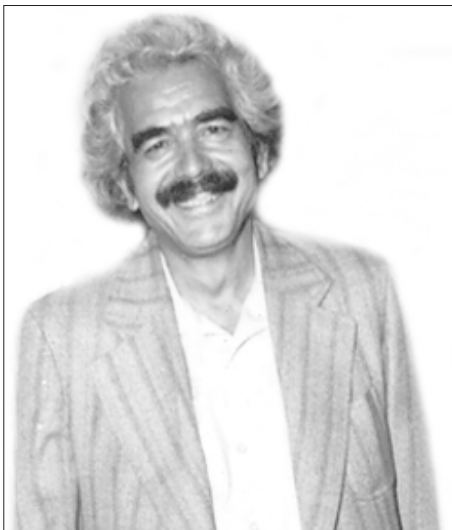


به مناسبت ششمین سال درگذشت خسرو شاهانی

مترجم روسی آثار خسروشاهانی پیرامون ترجمه کتاب هایش سخن می گوید. داستان «باد» شاهانی علاوه بر ایران در شوروی نیز حادثه آفرید.



«دانش» دو مجموعه از داستانهای طنز و فکاهی شاهانی را تحت عنوان «آدم عوضی»، «شکست ناپذیر»، چاپ و منتشر ساخت و در سال ۱۹۸۹ بنگاه انتشاراتی «رادوگا» (رنگین کمان) مجموعه داستانهایی زیر عنوان «آئین شوهرداری» به چاپ رساند.

انتشارات «پراودا» (راستی) نیز مجموعه‌ی دیگری زیر عنوان «داستانهای هجوی- فکاهی ایرانی» را با تیراژ بسیار بالا چاپ کرد. این مجموعه شامل ۲۱ داستان از خسروشاهانی است که هر کدام یکی از دیگری فکاهی تر و جالب توجه تر است.

به هنگام انتشار مجموعه «آئین شوهرداری» نیز یک اتفاق عجیب و مضحکی رخ داد. این مجموعه را در روز ۶ ماه مارچ یعنی در آستانه «روز جهانی زنان» در اختیار کتابفروشی‌ها قرار دادند. من همان روز به یک کتابفروشی در خیابان «آریات» در مرکز مسکو برای خرید مراجعه کردم. گفتند: کتابها رسیده است ولی قرار است از فردا به معرض فروش بگذاریم. فردای آن روز من فرصت نیافتم به کتابفروشی‌ها سرزنم و در روز بعد هم روز جشن جهانی زنان بود و من روز نهم مارچ دوباره به همان کتابفروشی رفتم. گفتند: تمام کتابها در همان روز اول (هفتم مارچ) بفروش رسید و حتی یک نسخه هم از آن باقی نمانده است. گویا مردها تصور کرده بودند که این کتاب وسیله خوبی برای جلب محبت است و هدیه جالبی برای همسرانشان خواهد بود.

در سال ۱۹۹۲ که پس از ۴۶ سال به ایران سفر کردم در همان روز ورودم به خسروشاهانی زنگ زد. او بلافاصله با اتومبیل فرسوده و رنگ و رو رفته اش به هتل آمد و مرا برای صرف شام به منزلش برد و ما شب خوش و بیادماندی را با حضور خانواده اش سپری کردیم. شاهانی ممنون من بود برای اینکه او و آثار قلمی اش را در اتحادشوروی معرفی و مشهور کرده بودم. برایم تعریف کرد که وقتی گروهی از توریستهای گرجستانی به فرودگاه مهرآباد وارد شدند، ضمن برخی سؤالات از ایشان پرسیدند با آثار کدام نویسنده معاصر ایرانی آشنایی دارید. همگی یکصدا جواب دادند: خسروشاهانی.

بعدها هر وقت دوستان و آشنایانم به ایران سفر می کردند به آنها توصیه می نمودم به خسروشاهانی زنگ بزنند. او همواره با مسرت با آنها ملاقات می کرد و به گرمی پذیرایشان بود. بدین ترتیب برخی از دوستانم منجمله آئیدا سوبولیووا خبرنگار بخش فارسی رادیو مسکو یک مصاحبه رادیویی با او انجام داد و نیز ایرانیانسان دکترو. ماشکالوف و دکتر صالح علیوف و برخی دیگر از دوستان با او در منزلش ملاقات کردند. خسروشاهانی بارها در بسیاری مقالات و مصاحبه‌ها نوشته و گفته است که از تنها مترجم داستانهای خود سپاسگزار است زیرا بدین وسیله در روسیه معروفیت یافته است. سه جلد آخرین مجموعه داستانهای شاهانی با مقدمه‌هایی را که به زبان روسی برآثار او نوشته بودم با ترجمه فارسی و همراه با عکس من چاپ کرده است. ...خسروشاهانی مدت مدیدی در بستر بیماری به سر برده به تشخیص پزشکان دچار بیمار سرطان شده بود و در دو ماه آخرین زندگی اش دچار درد و رنج بسیار بوده است و با تزریق آمپولهای متعدد به حیاتش ادامه داده است. دفتر عمرش در ۲۰ ماه می ۲۰۰۲ بسته شد. در ماه جون ۲۰۰۲ من برای شرکت در نخستین کنگره ایران شناسان به ایران وارد شدم ولی متأسفانه دیگر دوست خود را ندیدم ... یادش گرامی باد... ترجمه: ض. پویا

در آینده دچار زحمت شوند. بنابراین برای اینکه کار آنها را آسان سازم با اجازه و ادای احترام اطلاعات ذیل را حضورشان معروض می دارم؟

نام - خسرو
نام خانوادگی - شاهانی شرق
نام پدر - علی اصغر (متوفی) از پژوهشگران محترم استدعا دارم به دنبال یافتن آرامگان پدر مرحومم به جستجو و کاوش نپردازند که وقت ذی قیمتشان به هدر خواهد رفت.

نام مادر - علویه بیگم (متوفی)
تاریخ و محل تولد - ۱۳ آبان ۱۳۰۸ در شهر مشهد. درحال حاضر ۳۸ سال از عمرم می گذرد.

قد - ۱۶۱ سانتی متر
وزن - ۶۱ کیلوگرم
علائم مشخصه - سیپهای پریش (البته درحال حاضر) محل زندگی - فعلاتهران (ولی در آینده الله اعلم...) وقایع مهم زندگی - تولد و مرگ حوادث و اتفاقات مهم زندگی - در ایام کودکی آرزو داشتم فرمانده زیردریایی یا ناو هواپیمابر شوم ولی سرانجام، خودتان قضاوت کنید، که چه کاره شدم.

درسال ۱۹۷۲ خسروشاهانی نوشت:
"دوباره از من خواسته اند که به اصطلاح «شرح حال» خود را بنویسم. پس از اندکی اندیشیدن به این نتیجه رسیدم که بهترین «شرح حال» همانست که پنج سال پیش به هنگام انتشار مجموعه «کمندی افتتاح» نوشتم. فقط لازم به تذکر است که در این مدت هیچ حادثه مهمی در زندگی ام رخ نداده و هیچ تغییری هم در من پدید نیامده است جز اینکه موی سرم اندکی به سفیدی گرایده و سن و سالم هم چند سالی به «صفر» نزدیک تر شده است.

من از میان داستانهای این مجموعه، داستان «سیلزدگان» را برگزیده ترجمه کردم که در مجله «نوی میر» (جهان نو) شماره ۸ سال ۱۹۷۳ به چاپ رسید. به محض انتشار این داستان، یک نسخه از آن را همراه با نامه ای توسط محمدعلی جمال زاده که در آن ایام در ژنو (سوئیس) زندگی می کرد و ما با هم مرتباً مکاتبه داشتیم برای خسروشاهانی فرستادم. شاهانی خیلی زود پاسخ مرا داد و به پیوست نامه تشکر آمیزش، دو مجموعه داستانهای جدیدش را هم برای من فرستاد: یکی تحت عنوان «پهلوان محله» چاپ ۱۹۶۶ و دیگری «کمندی افتتاح» چاپ ۱۹۶۷.

نظر به اینکه در آن سالها مکتبه مستقیم از اتحاد شوروی با ایرانیان خالی از خطر نبود و امکان داشت ناراحتی‌هایی پدید آورد (ضمناً بگویم که شاهانی در این زمینه هم یک داستان فکاهی نوشته است) بنابراین ما از طریق ژنو و گاهی از طریق وحیدعلیزاده ساکن فنلاند که از دوستان خانوادگی عمه ام بود، مکاتبه داشتیم.

من روز به روز به نوشته‌های خسروشاهانی بیشتر علاقمند می شدم و از هر مجموعه منتشره، چند داستان برگزیده به زبان روسی ترجمه می کردم و آنها را در مجلات مسکو: «نوی میر» (جهان نو)، «ادبیات خارجی» و مجله «آسیا و آفریقای امروز» و همچنین در مجله‌های «ستاره خاور» در تاشکند پایتخت جمهوری

یادداشت‌های دکتر جهانگیر دژی خاورشناس روسیه در مجله «آسیا و آفریقای امروز»

دکتر جهانگیر دژی که خاطراتش در این مجله درج می شود سرنوشتی بس دشوار و در عین حال درخشان و از بسیاری جهات غیرعادی داشته است. در سال ۱۹۳۲ از پدری ایرانی (حبیب اله دژی) و مادری روس (نادژوا) در مسکو متولد شد. سه ساله بود که همراه والدینش به ایران آمد و در مدت ده سال اقامت در مشهد و تهران دوران تحصیل را می گذراند. در سال ۱۹۴۶ همراه خانواده به مسکو بازگشت و به تحصیلات ادامه داد تا به دریافت درجه فوق دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی نائل گردید و اکنون دانشمند و ادیب سرشناس در جامعه روسیه می باشد. او آثار بسیاری از نویسندگان ایران را به زبان روسی ترجمه کرده است. بدون اغراق می توان گفت که مردم روسیه آشنایی با ادبیات معاصر ایران را مدیون همت او هستند دکتر جهانگیر دژی در طول عمر پربارش شاهد حوادث فوق العاده و مشهود در درون و برون مرز روسیه بوده است و با عده زیادی از ادیبان و فرهنگیان ایران و روسیه آشنایی نزدیک داشته و دارد. بخش نخست خاطرات وی در سال ۱۹۹۵ در مجله‌ی «آسیا و آفریقای امروز» درج گردیده و اکنون ادامه آنرا به چاپ می رسانیم. مجله «آسیا و آفریقای امروز»

دوستان و دیدارها

در ده سال اخیر به حکم سرنوشت، بخت آشنایی و دیدار با بسیاری از نویسندگان و شعرا معاصر ایران و افغانستان را داشته‌ام. آشنایی و دیدارها، هم در روسیه زمانی که آنها به دعوت مؤسسات علمی-فرهنگی به روسیه می آمدند و هم در تهران و کابل هنگامی که من برای شرکت در کنفرانسها و سمپوزیوم‌های علمی-ادبی به آنجا سفر می کردم، انجام می گرفت و گهگاه اینگونه آشنایی‌ها و دیدارها در کشورهای ثالث پیش می آمد. اینک مایلیم یاد برخی از این دیدارهای دور و نزدیک را با خوانندگان در میان بگذارم منجمله دیدار با خسرو شاهانی که عمیقاً در ضمیرم باقی مانده است.

در اوایل دهه ۱۹۶۰ مجموعه داستان نه چندان بزرگ تحت عنوان عجیبی «کور لعنتی» نوشته خسروشاهانی به دستم رسید. در آن زمان نام نویسنده برایم ناآشنا بود. این مجموعه داستان را که سالها پیش در سال ۱۹۶۱ در ایران منتشر شده بود به دقت خواندم. متحیر شدم که چگونه نویسنده توانسته صحنه‌های زندگی معاصر ایران را با قلم طنزآمیز و تندخود این چنین رنگین و دلنشین به تصویر بکشد. خلاصه اینکه من مفتون مجذوب تازگی و لطافت، نیکخواهی و جنبه فکاهی داستانهایش شدم. شرح حال و احوال نویسنده هم مانند داستانهایش بسیار ساده و بی پیرایه بوده و با حوادث و وقایع مهمی همراه نبوده است.

شاهانی در سال ۱۹۶۷ در پاسخ به پرسش «انتشارات امیرکبیر» چنین نوشته است: «برخی اشخاص گمان می برند که من راه پرپیچ و خم و دشواری پیموده‌ام و زندگی ام مملو از حوادث ناگوار بوده است و اگر آنها را مکتوم دارم شاید تذکره نویسان و پژوهشگران محترم

ادامه مطلب شما همیشه با دشمن ... از صفحه ۱۲

جمهوری اسلامی در حالیکه خانم کلینتون شرکت داشت حضور بهم رساند.

در زمینه بهبود روابط بین آمریکا و جمهوری اسلامی نقش اسرائیل و لابی یهودی آمریکا را نمیتوان نادیده گرفت اگرچه هنوز بسیاری از برنامه‌های دولت اوپاما مشخص و روشن نیست اما خطوط کلی آن در یک جمله چنین خلاصه میشود که با حفظ قدرت بجای جنگ و تخاصم، در شعار و اقدام خواهان همکاری و دست یابی به توافق‌ها هستند و شکست سیاست جورج بوش در منطقه خاورمیانه راهی جز تجدید نظر برای رئیس جمهوری جدید آمریکا باقی نگذاشته هرچند اولویت تحقق شعار «تغییر» برای اوپاما حل بحران مالی و اقتصادی و اجتماعی داخل آمریکا است. در سیاست خارجی و روابط بین الملل نیز این تغییر چهره خود را با محوریت حفظ قدرت نشان خواهد داد و شعار همکاری بجای تخاصم در سخنرانیهای اوپاما اولین حرکت در این مسیر است. مقامات اسرائیلی تهدید یک ایران هسته ای را بزرگ جلوه می دهند اما نگرانی اصلی آنها این است که جمهوری اسلامی در صورت دستیابی به سلاح اتمی به موقعیت انحصاری اسرائیل در مالکیت اینگونه تسلیحات در خاورمیانه پایان دهد و تسلط این رژیم را بر منطقه تضعیف نماید که در آن صورت ممکن است بتوان امتیازات ارضی بزرگی را به نفع فلسطینی‌ها از اسرائیل گرفت.

در این نوشتار صحبت از لابی یهودی در آمریکا که نفوذ ویژه‌ای دارد بسیار آمد، باید توضیح داد که لابی به گروههای فشاری گفته میشود که در پشت صحنه بر سیاست گذاریها و برنامه‌های دولتها تأثیر می گذارند. واژه «لابی» در کنگره آمریکا از زمانی به کار گرفته شده است که این گروههای فشار در محل لابی که مانند سرسرا یا سالن انتظار یک هتل بزرگ است برای ملاقات با نمایندگان کنگره در انتظار می ماندند تا آراء و نظریات خود را با آنان قبل از تصویب لوایح در کنگره آمریکا مطرح و آنها را مورد تأثیر قرار دهند.

تجدید نظر در قانون جدید خانواده در افغانستان

(تجاوز درون خانواده)

فرانک والتر اشتاین مایر، وزیر خارجه آلمان هم روز شنبه در گفتگویی تلفنی با رنگین دادفر سینتا، همسایه افغان خود نگرانی دولت آلمان را از تصویب این طرح اعلام کرد. از سوی دیگر برخی از سازمان‌های اروپایی، از جمله "صندوق توسعه سازمان ملل در امور زنان" از دولت کرزای خواسته اند مانع تصویب و اجرای این قانون شود.



به نظر نهادهای حقوق بشری و همچنین سازمان‌های مدافع حقوق زنان قانون جدید خانواده در افغانستان "تجاوز درون خانواده" را به رسمیت شناخته است. براساس ماده‌ی ۱۳۲ این قانون، زن موظف به تأمین نیازهای جنسی همسرش در هر زمانی است و مرد این حق را دارد که دست کم هر چهار روز یکبار با همسرش رابطه‌ی جنسی داشته باشد.

از دیگر موارد مورد انتقاد این طرح نیز حق مرد برای جلوگیری از اشتغال همسرش و همینطور نیاز زن به کسب اجازه از مرد برای بیرون رفتن از خانه است. در این قانون سن ازدواج نیز برای دختران شیعیه مذهب، از ۱۸ سال به ۱۶ سال کاهش یافته است.

دووجه وله: طرح قانون خانواده در افغانستان، واکنش‌های متفاوتی را از سوی کشورهای مختلف به همراه داشته است. فشار کشورهای غربی باعث شده حامد کرزای، رئیس‌جمهور این کشور، این طرح را برای بازبینی به وزارت دادگستری افغانستان بفرستد.

به گمان دیپلمات‌های غربی، در مجموع انتقاد از دولت افغانستان در کابل کار چندان ساده‌ای نیست. زیرا بنا بر تجربه‌های پیشین، هرگونه اظهارنظری منجر به تضعیف موقعیت سیاسی در افغانستان خواهد شد. با این حال تاکنون کشورهایی چون آلمان، آمریکا، بریتانیا، کانادا و همچنین پیمان نظامی آتلانتیک شمالی، ناتو، مخالفت خود را با این قانون نشان داده‌اند.

در واکنش به این مخالفت‌ها، حامد کرزای با فرستادن طرح قانون خانواده به وزارت دادگستری خواستار بازبینی دقیق آن شده است. او اظهار داشته چنانچه در این طرح شک و شبه‌های وجود داشته باشد، مجدداً آن را به پارلمان این کشور ارجاع خواهد داد. لازم به ذکر است که حامد کرزای پیش از این، طرح جدید قانون خانواده را امضا کرده بود. با این همه، این طرح همچنان از قدرت اجرایی برخوردار نیست، زیرا تا به حال در هیچ اعلامیه‌ی دولتی و رسمی منتشر نشده است.

آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان، در نشست روز شنبه‌ی سران ناتو در شهر استراسبورگ (پانزدهم فروردین) در واکنش به این طرح اظهار داشت: «نمی‌توان از تساوی حقوقی میان زنان و مردان چشم‌پوشی کرد.» ناتو نیز خواهان باز پس فرستادن طرح این قانون به پارلمان افغانستان شد.